

درس‌هایی آموختنی از انتخابات آمریکا

از حدود دو سال قبل مقدمات انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا عملاً آغاز گردید ابتدا چندین نفر از کاندیداهای درون هر یک از دو حزب رقیب دموکرات و جمهوریخواه در معرض قضاوت و اظهار تمایل افکار عمومی طرفداران این دو حزب در ایالات مختلف قرار گرفتند و توسط مردم سراسر آمریکا مورد بررسی و ارزیابی واقع شدند تا سرانجام پس از ماهها مبارزه نفس گیر ولی متمدانه و شرافتمندانه بالاخره باراک اوباما مردسیاهپوست ۴۷ ساله بعنوان کاندیدای برگزیده حزب دموکرات و جان مک کین کهنه سرباز سفید پوست ۷۲ ساله بعنوان کاندیدای پذیرفته شده از سوی حزب جمهوریخواه تعیین شدند آنگاه رقابت بین این دو کاندیدای فینالیست با طرح نظریات آنان درباره مسایل گوناگون مانند برنامه‌های اقتصادی، مالیات‌ها، بازنشستگی، تامین اجتماعی، درمان، بیمه و سیاست خارجی آمریکا و موضع آنان در مورد جنگ شروع شد معرفی معاونین این دو کاندیدا نیز با دقت و موشکافی مورد بررسی و توجه مردم قرار گرفت. صدها وسیله ارتباطی جمعی مانند روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون‌ها و سایت‌های اینترنتی نقطه نظرات این دو نفر و مناظره‌های آنها را در مقابل فرد فرد ملت آمریکا به تصویر کشیدند هزاران میتینگ و دموستراسیون انتخاباتی در گوشه گوشه و در سراسر خاک آمریکا برگزار شد و بالاخره صرفنظر از رای گیریهای زود هنگام در برخی ایالات در روز سه شنبه ۱۴ آبانماه میلیونها نفر آمریکایی در پای صندوق‌های رای حضور یافتند و آرای خود را به صندوق‌ها ریختند و نتیجه نهایی انتخابات این بود که آقای باراک اوباما با کسب اکثریت آرا به عنوان ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شد و برای اولین بار یک آمریکایی آفریقایی تبار راهی کاخ سفید گردید. این رویداد شگفت انگیز در زمانی اتفاق میافتد که تنها در چهار دهه قبل بسیاری از سیاهپوستان آمریکا حق ورود به اتوبوس شهر و ندان سفید را نداشتند و فرزندان نشان نمی توانستند در مدارس سفیدها درس بخوانند و در ورودی بسیاری از

رستورانها عبارت «ورودسگ و سیاهپوست ممنوع» را در پیش روی خود می دیدند انتخاب آقای اوباما در زمانی اتفاق افتاده که فقط کمتر از پنج دهه از ترور شدن جان اف کندی رییس جمهور طرفدار برابری حقوق اجتماعی سیاهپوستان آمریکایی با سفید پوستان و همچنین ترور شدن دکتر مارتین لوتر کینگ رهبر جنبش سیاهپوستان برای گرفتن حقوق مدنی می گذرد. در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا صرفنظر از اینکه بحران اقتصادی و درگیریهای نظامی این کشور از آرای جمهوریخواهان کاست و آرای بیشتری را به طرف دموکراتها روانه ساخت علایم قابل توجهی از تغییر و تحول در فضای سیاسی اجتماعی آمریکا به منصف ظهور رسید تغییر و تحولی که تنها منحصر به جامعه آمریکا نیست و برای پهنه جهانی و جامعه بشری اثرات مسلم و پیام‌های روشنی داشت

- ۱- انتخابات آزاد و سالم و عادلانه و بدون دخالت حکامی که به مسند قدرت قرار دارند همراه با رعایت آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و سایر رسانه‌های عمومی در مقابل جهانیان به نمایش درآمد.
- ۲- ارتقای سطح حقوق بشر و تساوی حقوق انسانها صرفنظر از رنگ پوست، نژاد، جنسیت و مذهب حتی نسبت به گذشته‌های نزدیک به عیان دیده شد.
- ۳- با پیروزی باراک اوباما در آمریکا در کنیا تعطیل عمومی و جشن ملی برقرار گردید و واکنش‌های بسیاری ظرف چند ساعت در سراسر دنیا برانگیخته شد که واقعبیت «جهانی شدن» و اینکه جهان امروز دهکده‌ای بیش نیست به وضوح در انظار جهانیان مجسم گردید.
- ۴- روند تدریجی و آرام و معقول این انتخابات و نتیجه آن، انتخاباتی را که توسط حکومت‌های خودکامه بدون رعایت حقوق بشر و با نادیده گرفتن آزادیهای ضروری سرهم بندی میشود بیشتر رسوا نمود و در مقایسه مخدوش بودن و غیر آزاد بودن انتخابات ناسالم در کشورهای استبداد زده را در پیش چشم جهانیان روشن ساخت.

طییدنهای دلها ناله شد آهسته آهسته

فزونترگر شود این ناله‌ها فریاد می‌گردد

هیأت‌های حاکمه‌ای که از درون جامعه و آنچه بر نیازمند و غنی می‌گذرد خبر ندارند علایم رسیدن به نقطه انفجار بر اثر فسادها و بیعدالتی‌ها را نیز به موقع درک نمی‌کنند در حالی که اگر به خاطر حفظ منافع خودشان هم‌شده با پیدا ز راهی که می‌روند عنان بگردانند و قبول کنند که وقتی مردم ناله‌های از طییدن دلهایشان فراتر رفته و کاسه‌های صبر لبریز گردیده است دیگر در آن موقعیت راه حل‌های منطقی و عقلانی خاصیت مسکن‌های کم اثر را پیدا خواهند کرد. این فریادهای انباشته و فشرده در سینه‌ها، متاسفانه هر روز در مملکتی به گوش می‌رسد که بالقوه دارای ثروت و امکانات تامین زندگیهای بهتر بوده و در طول تاریخ خود سرکش ترین طوفانها را آرام کرده است ولی اینک در سایه عدم مدیریت صحیح و مدیران آگاه از رمز و راز اوضاع زمان، در تب نابسامانیها می‌سوزد و نگرانی بر نگرانیهای دیگر می‌افزاید.

در شرایط روزاگر از مردم طبقات مختلف جامعه پیرسیم دردها و بیماریها و افسردگیها ناشی از چه عواملی می‌باشند خواهند گفت: آقا سوء مدیریت مدیران و صاحبان قدرت، یعنی مملکت بد اداره می‌شود و هر روزی که می‌گذرد و هر بدی بدتر می‌گردد!

پیام جبهه ملی در هر فرصت و هنگام عرضه قوانین جدید (اگر همه تصمیمات محرمانه صورت نگرفته باشد) و اجرای مقرراتی که زمان اقتضای پذیرش آنها را ندارد. نه بعنوان ارگان سازمان سیاسی بلکه نظرات ایرانیان عاشق وطن و حافظ منافع ملی هشدارها داده و خواستار سپردن کارها به دست کاردان بوده است تا هرروز به نحوی با سوء رفتارها زخم دلها تازه نگردد ولی ظاهراً این تذکرات و هشدارها در فضای آلوده به انواع صوتها مزاحم به گوش مسئولان نمی‌رسد یا نمی‌نشیند و این نکته خودسوء مدیریت بسیار خطرناکی است که سرانجام مقامات درجه اول را در غفلت پیام «شما آسوده بخواهید، مردم هیچگونه کم و کسری ندارند!» نگه داشته و عاقبت بر زمین شان زده است. ملاحظه کنید در کشوری که روشهای حکومتی به طور کامل با آیین و ضوابط دین در آمیخته و شعارهای حکومتی در تحقق «راستی گفتار» و «درستی کردار» خلاصه می‌شود از مدیران زده بالا در برابر چشمان میلیونها انسان و شاید تصور ناپیایی همگی به خاطر ارضای هوس به جعل مدرک تحصیلی اقدام نموده و هر توجیهی هم برای اغنای طرفهای معترض بیان می‌کند، دروغ و ناراستی جدیدی را به دست می‌دهد حال حساب کنید دامنه فساد اخلاقی تا کجا امتداد می‌یابد؟ از ارتعاشات این خطای بزرگ، دانش آموختگان و جوانان بیکار در خشم فرو می‌روند که آیا این است معنی راستی؟ هنگام ارتکاب جرایمی از این قبیل و غلیانی که ایجاد می‌شود انتظار همه دوستاران عدالت و اجرای قانون این است حرکتی حاکمی از حساسیت و تعقیب مجرم را نشان دهند تا مردم نگویند دادگستری فقط می‌تواند نو جوان تربیت ندیده بی خانواده را به جرم قتل غیر عمد محکوم به اعدام با طناب دار نماید!! به فساد اخلاقی دانشگاه زنجان در مورد اقدام به قصد تجاوز به دختر دانشجوی از طرف مقام دانشگاهی و بقیه قضایا اشاره کنیم که سوء مدیریت نمونه به شمار می‌رود البته در مورد سوء مدیریت‌های بزرگتر که گناه مرتکبان را به سالها و عمرچندین نسل نیز به آب کوثر و زمزم نمی‌توان شست صحبت نمی‌کنیم. گناهان آزاد گذاشتن زاد و ولد در دهه اول انقلاب و انفجار جمعیت و مشکلات از لحاظ تدارک تغذیه، بهداشت، دانشگاه، کار... و غفلت از فراهم آوردن وسایل دفاعی برای جلوگیری از شروع جنگ تحمیلی هشت ساله و آن همه لطمات مالی و انسانی و دوسه ساله اخیر در مورد سوء صداها و اتلاف وقت پیرامون استفاده از انرژی اتمی، کتابها، آری کتابهای علیحده و مفصلی را می‌توان تدوین کرد اما هرگز نمی‌توان جبران مافات کرد لذا هشدار میدهیم که سوء مدیریت‌ها از نقطه نظر لطمه به منافع و مصالح جامعه بیداد می‌کند و ناز نفس‌انگیزی که در خلاصه‌ترین کلام اظهار می‌دارند: مملکت از سوی مدیران و مسئولان و لا مقام بد اداره می‌شود و هر روز که می‌گذرد بسیار بدتر!